

پند ادیان و فرق

۱۸

sarabehaghighat.ir

ماهنامه اینترنتی ادیان و فرق / مرداد ۱۴۰۵ / شماره هجده / قم

پرونده ویژه

آشنایی با تصوف فرقه‌ای



فهرست

یادداشت سردبیر.....	۱
پشت درهای خانقاه؛ نگاهی به تاریخ و اندیشه های تصوّف.....	۱
آشنایی با تصوّف.....	۲
مقدمه.....	۲
تصوّف در لغت.....	۲
تصوّف در اصطلاح.....	۳
تاریخ تصوّف از آغاز تا امروز.....	۴
ریشه های شکل گیری تصوّف را در چه دوره ای می دانید؟.....	۴
نهادینه سازی تصوّف در چه مرحله ای رخداد؟.....	۴
دوران ابن عربی را چگونه ارزیابی می کنید؟.....	۵
رابطه تصوّف با قدرت سیاسی در دوره صفویه، قاجار و پهلوی چه بود؟.....	۵
تصوّف پس از انقلاب اسلامی چه مسیری را طی کرده است؟.....	۵
علل شکل گیری و توسعه.....	۶
زمینه نژادی - طبقاتی.....	۶
انگیزه سیاسی.....	۶
زمینه اجتماعی - اعتراضی.....	۶
زمینه معرفت شناختی.....	۷
طریقت های صوفیه.....	۸
طریقت نعمت الهیه.....	۸
طریقت ذهبیه.....	۹
طریقت قادریه.....	۹
اعتقادات مشترک میان فرق و تصوّف.....	۱۰
سماع.....	۱۰
شطحیات.....	۱۱
ابلیس در تصوّف.....	۱۲
تقدیس ابلیس.....	۱۳
اعتقادات اختصاصی فرقه نعمت الهی گنابادی.....	۱۳
اعتقادات اختصاصی فرقه ذهبیه.....	۱۴
معنویت های نوعیه در ذهبیه.....	۱۴
اختلاف دیدگاه صوفیان درباره امام مهدی (عج).....	۱۴
غلو و نسبت با اندیشه های غالیانه.....	۱۴



پشت‌درهای خانقاه؛ نگاهی به تاریخ و اندیشه تصوف

● یادداشت سردبیر

کوشیده‌ایم پاسخ به این پرسش‌ها را به دور از دو رویکرد افراطی دنبال کنیم: نه تصویری یکدست و آرمانی از تصوف ارائه دهیم و نه آن را صرفاً با داوری‌های کلی و شتاب‌زده توضیح دهیم. شناخت تاریخی، توجه به تنوع درونی جریان‌های صوفیانه و تفکیک میان «تصوف»، «طریقت» و «عرفان» می‌تواند به فهم دقیق‌تر این پدیده کمک کند. گفت‌وگو با پژوهشگران و صاحب‌نظران نیز در همین راستا فراهم شده است تا برخی از پرسش‌های تاریخی و فکری این حوزه از منظرهای تخصصی‌تر بررسی شود.

این پرونده، ادعای ارائه تصویری نهایی و جامع از تاریخ تصوف ندارد؛ بلکه می‌کوشد دریچه‌ای برای مطالعه‌ای دقیق‌تر بگشاید. امید داریم خواننده پس از عبور از این «درها»، نه با یک داوری از پیش تعیین شده، بلکه با پرسش‌هایی روشن‌تر و شناختی عمیق‌تر از تاریخ، تنوع و اندیشه‌های صوفیانه روبه‌رو شود؛ شناختی که امکان مقایسه و نقد آگاهانه‌تر نسبت میان تصوف، عرفان و شریعت را فراهم کند.

نام نشریه: ماهنامه پندار / **موضوع:** بررسی و نقد ادیان، فرق و جریان‌ات انحرافی / **صاحب امتیاز:** گروه فرهنگی تبلیغی سراب حقیقت / **مدیر مسئول:** محمد جواد نصیری / **سردبیر:** حجت الاسلام مردان پور / **صفحه آرایی:** پوریا فتاحی و محمد محمدی / **هیئت تحریریه:** اعضای هیئت تحریریه اندیشکده پندار؛ حجج اسلام حسین مردان پور، علیرضا روزبهانی، مهدی بیاتی، سعید صدیقی، حسین عرب‌وآقایان امین‌رضایی‌نژاد، محمد جواد نصیری، محمد سجادی‌زاده.

راه‌های ارتباطی پیام‌رسان ایتا: @raherahaei

آدرس سایت، تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی:

sarabehaghighat.ir
apararat.com/sarabehaghighat
@sarabehaghighat

خانقاه فقط مکانی برای خلوت و عبادت نبود؛ در دوره‌های مختلف، به یکی از مهم‌ترین کانون‌های شکل‌گیری و گسترش سنت‌های صوفیانه تبدیل شد. در پس این دوره‌ها، تجربه‌هایی از زهد و سلوک شکل گرفت، رابطه مرید و مراد صورت‌بندی شد، طریقت‌های گوناگون پدید آمدند و مجموعه‌ای از آداب، باورها و شیوه‌های خاص زندگی و سیر و سلوک شکل گرفت. از همین رو، تصوف را نمی‌توان صرفاً با چند تصویر آشنا از خانقاه، سماع و درویشی توضیح داد؛ این پدیده، تاریخی طولانی و درونی متنوع دارد و در دوره‌های مختلف، چهره‌ها و جریان‌های متفاوتی به خود گرفته است.

تصوف از موضوعات مهم و در عین حال مناقشه‌برانگیز در تاریخ فرهنگ و اندیشه اسلامی است؛ موضوعی که درباره خاستگاه، تحول، مبانی، نسبت آن با شریعت و نیز پیوند و تمایز آن با دیگر سنت‌های عرفانی، دیدگاه‌های گوناگونی مطرح شده است. همین تنوع و پیچیدگی، شناخت تصوف را نیازمند نگاهی تاریخی و روشمند می‌کند؛ نگاهی که میان جریان‌ها و طریقت‌های مختلف تمایز بگذارد و از نسبت دادن دیدگاه یا رفتاری خاص به همه صوفیان و همه دوره‌های تصوف پرهیز کند.

پرونده این شماره «پندار» تلاشی است برای نزدیک شدن به این پدیده از چند زاویه. در بخش نخست، به خاستگاه و تحول تاریخی تصوف و بحث درباره مفهوم و ریشه واژه «صوفی» پرداخته‌ایم. سپس برخی طریقت‌های مهم، از جمله نعمت‌اللهیه، ذهبیه و قادریه، از منظر تاریخی و فکری معرفی شده‌اند. در ادامه نیز به شماری از مفاهیم و تجربه‌های مطرح در برخی جریان‌های صوفیانه، مانند سماع، شطحیات، جایگاه قطب، رؤیا و مکاشفه، پرداخته‌ایم. در این میان، یک پرسش اساسی همواره پیش روی ماست: تصوف چگونه شکل گرفت و در گذر تاریخ چه تحولاتی را پشت سر گذاشت؟ طریقت‌های صوفیانه چگونه پدید آمدند و چه تفاوت‌هایی با یکدیگر داشتند؟ و نسبت تصوف با عرفان اسلامی و سنت عرفانی شیعه چگونه قابل توضیح است؟



آشنایی با تصوّف



حجت الاسلام محمد سجادی زاده

اپژوهشگر عرصه تصوّف

مقدمه

شناخت تصوّف و معرفی ماهیت آن، با وجود دشواری و اختلاف نظرهای فراوان، امری ضروری است و می‌توان در تعریف تصوّف و معرفی صوفی به جمع بندی نسبی رسید.

تصوّف در لغت

درباره اشتقاق واژه «صوفی» میان محققان اختلاف نظر وجود دارد. مهم‌ترین دیدگاه‌ها عبارت‌اند از:

۱. برخی آن را برگرفته از واژه یونانی «soph» به معنای حکمت و دانش دانسته‌اند.
۲. گروهی آن را از «صوفانه» دانسته‌اند؛ گیاهی کوتاه که در بیابان می‌روید و گفته‌اند این گروه از آن تغذیه می‌کردند.

۳. برخی تصوّف را منسوب به اهل صفه دانسته‌اند؛ گروهی از مسلمانان فقیر و بی‌مال و خانواده در صدر اسلام که در صفه مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله سکونت داشتند و با صدقه زندگی می‌کردند.^۱
 ۴. عده‌ای آن را منسوب به صف دانسته و گفته‌اند این افراد همواره در صف اول، به ویژه در نماز جماعت، حاضر می‌شدند.
 ۵. مشهورترین دیدگاه این است که «صوفی» از صوف به معنای پشم گرفته شده و به دلیل پوشیدن لباس پشمینه به این نام خوانده شده‌اند.^۲
- دکتر قاسم غنی در تاریخ تصوّف در

۱. رک: تحقیق ماللهند، ص ۱۶.

۲. تاریخ تصوّف در اسلام، ص ۴۵.

۳. همان، ص ۳۸.



تصوّف در اصطلاح

تصوف، مکتبی فکری و قرائتی افراط‌گونه و باطنی عرفانی از تعالیم اسلام است که بخشی از ظهور اجتماعی آن در قالب فرقه‌های گوناگون شکل گرفته است. تصوف به دلیل ماهیت سیال و متکثر خود، به سختی در قالب اندیشه‌ای واحد تعریف می‌شود؛ چنان‌که سهروردی در عوارف المعارف می‌گوید بیش از هزار تعریف برای تصوف ذکر شده است: «اقوال المشايخ في ماهية التصوف تزيد على الف قول»^۱. همچنین ذوالنون را پرسیدند از تصوّف گفت قومی باشند، خدای را بر همه چیزها برگزیده او خدای ایشان را برگزیند بر همه چیز.

اسلام، اشتقاق «صوفی» از «صوف» را نزدیک ترین قول به عقل، منطق و موازین لغوی می‌داند و «تصوف» را مصدر باب تفعّل و به معنای پشمینه پوشیدن معرفی می‌کند. وی همچنین می‌نویسد: ابونصر سراج، ابن خلدون، ابن تیمیه و ابن جوزی نیز اشتقاق این دو واژه از «صوف» را پذیرفته‌اند. بنابراین، «صوفی» از «صوف» به اضافه «یاء نسبت» تشکیل شده و جمع آن «صوفیه» است که عنوان پیروان تصوف به شمار می‌رود.^۲ «صوف» در لغت به معنای پشم است و صوفی را «پشمینه‌پوش» می‌نامند؛ زیرا صوفیان نخستین، گروهی از زهاد افراطی بودند که وصول به معنویت و اشراق را از طریق ترک دنیا، فشار بر جسم و ریاضت‌های شاق دنبال می‌کردند.^۳

«تَصَوُّف» مصدر لازم ثلاثی مزید از باب «تَفَعَّل» و به معنای صیروت است. این کاربرد، به‌ویژه برای گرویدن به یک فرقه یا مکتب فکری، مانند «تمجّس» و «تهوّد»، استعمال شده است؛ بنابراین تصوف به معنای گرویدن به صوفیه و «صار صوفياً» است.^۴

۱. قاسم غنی، تاریخ تصوف در اسلام، ج ۲ و ۳؛ ص ۵۲.

۲. سعید شرتونی، اقرب الموارد فی فصح العربیه والشوارد، ج ۱؛ ص ۶۷، ذیل «صاف».

۳. ابوالحسن احمد ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ذیل «صوف».

۴. رضی الدین محمد بن حسن استرآبادی، شرح شافیه ابن الحاجب، ج ۱؛ ص ۱۰۷.

۵. شهاب الدین ابوحفص سهروردی، عوارف المعارف، ج ۱؛ ص ۶۹.

۶. ابوالقاسم عبد الکریم القشیری / ابوعلی عثمانی، رساله قشیریه (ترجمه)؛ ص ۴۷۳.



تاریخ تصوف از آغاز تا امروز

مصاحبه با حجت الاسلام مهدی بیاتی



اپژوهشگر تصوف و اهل حق

ریشه‌های شکل‌گیری تصوف را در چه دوره‌ای می‌دانید؟

عده‌ای از محققین آغاز تصوف را با ابوهاشم کوفی دانسته‌اند. براساس روایات معصومین (ع)، او فردی فاسدالعقیده بود که مذهبی بدعت‌آمیز بنا نهاد. برخلاف پندار برخی، اصحاب صُفّه جریانی اقتصادی-اجتماعی بودند، نه مسلکی عرفانی. ائمه (ع) با بدعت‌ها و انحرافات در هر شکل آن مخالف بودند و برخی از جریان‌های صوفیانه را نقد می‌کردند.

تحول نظری تصوف از چه زمانی آغاز شد؟

در قرن سوم، با «نهضت ترجمه» و ورود افکار یونانی، ایرانی و هندی، تصوف از زهد ساده به

«تصوف نظری» کوچ کرد. مفاهیمی چون «سُکر» و «شطحیات» پدید آمد و منصور حلاج با ادعای «أنا الحق» به دار آویخته شد. این دوره، آغاز فاصله‌گرفتن از شریعت و آمیختگی با فلسفه نوافلاطونی بود که مخالفت شدید فقهای شیعه و سنی را در پی داشت.

نهادینه‌سازی تصوف در چه مرحله‌ای رخداد؟

در قرن چهارم و پنجم، «خانقاه‌ها» شکل گرفتند و صوفیان برای مشروعیت بخشی به خود، به تأویل قرآن روی آوردند. شاعرانی با ابزارهایی چون شعر و سماع، توده‌ها مردم را جذب کردند. در این دوره، رابطه مرید و مرادی شدت یافت، تسلیم مطلق مرشد الزامی شد و ساختار سلسله‌مراتبی طریقت‌ها تثبیت گردید.



دوران ابن عربی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
در قرن هفتم تا نهم، محی‌الدین ابن عربی با مطرح کردن عرفان نظری و نظریه «وحدت وجود»، اوج تصوف فلسفی را رقم زد. هم‌زمان، تلاش‌هایی از سوی برخی شیعیان برای یکی سازی تصوف و تشیع صورت گرفت و ائمه (ع) را در شمار صوفیان آوردند؛ ادعایی که به دلیل مخالفت‌های بنیادین ائمه با بدعت‌ها، از نظر تاریخی باطل است.

رابطه تصوف با قدرت سیاسی در دوره صفویه، قاجار و پهلوی چه بود؟

در عصر صفویه، تصوف به ابزار قدرت سیاسی تبدیل شد؛ صفویان با کمک صوفیان قزلباش‌ها به قدرت رسیدند و صفویه نیز با نزدیکی به دربار، قدرت یافت. برخی از طریقت‌ها به دلیل بی‌اعتنایی به طریقت مورد غضب فقها قرار گرفتند و در برخی شاخه‌ها، انحرافات اخلاقی رخ داد. در دوره پهلوی، برخی طریقت‌ها مانند سلطانه‌لیشاهی، علی‌رغم شعار دوری از سیاست، با جذب افراد صاحب نفوذ دربار، به فرقه‌ای کاملاً سیاسی بدل شدند.

تصوف پس از انقلاب اسلامی چه مسیری را طی کرده است؟

برخی سلاسل نعمت‌اللهیه و ذهبیه مرکزیت خود را به غرب منتقل کردند؛ القاب از «شیخ» به «دکتر» تغییر یافت. با این حال، فرقه‌ها آزادانه در خانقاه‌ها یا حسینیه‌ها فعالیت می‌کردند. این آزادی تا جایی پیش رفت که فرقه «سلطانعلیشاهی» (گنابادی) در سال ۱۳۹۶ حوادث امنیتی «گلستان هفتم» را رقم زد که به درگیری و شهادت سه تن از نیروهای انتظامی و یک بسیجی به نام محمدحسین حدادیان منجر شد.

جمع‌بندی نهایی شما؟

تصوف جریانی درون مذهبی است که با ایجاد انحراف و عقاید بدیل، از تشیع فاصله گرفته است. در مذهب حقه تشیع، انشعاب و فرقه‌سازی معنا ندارد و برخی از جریان‌های صوفیانه در طول تاریخ با برخی مبانی شیعه امامیه، فاصله گرفته و مواردی دچار انحرافات اعتقادی شده‌اند؛ در عین حال میان سلاسل و دوره‌های مختلف، باید تفکیک قائل شد.



علل شکل‌گیری و توسعه

حجت‌الاسلام محمد سجادی زاده 
اپژوهشگر عرصه تصوف

هر یک از اندیشمندان، به فراخور دغدغه‌ها، تعلقات فرهنگی و زمینه فکری خود، دیدگاه متفاوتی را در باب «علت پیدایش تصوف در اسلام» مطرح کرده‌اند و هر یک، دست‌بر‌دلیل یا علت خاصی گذاشته و همان را منشاء پیدایش صوفی‌گری در اسلام عنوان کرده‌اند.

زمینه نژادی - طبقاتی

برخی معتقدند پیدایش تصوف، واکنش نژاد آریایی و آیین ایرانیان (آیین زرتشتی و مانویت) در برابر دین نوپدید اسلام بود.

نقد و بررسی

رهبران اولیه تصوف نه منحصر در آیین‌های باستانی ایرانیان بوده و نه همگی از نژاد ایرانی می‌باشند، بلکه بسیاری از مشایخ بزرگ صوفیه از نژاد عرب و ساکن در مناطق اصلی آن‌ها بودند؛ به این خاطر نمی‌توان این عامل را در پیدایش تصوف پذیرفت.

انگیزه سیاسی

برخی معتقدند تصوف ساخته دست طبقات فوقانی جامعه و ستمکاران حاکم، بر گرده مسلمین بود که برای رام ساختن محرومین و طبقات فرودست، نهضتی باطنی را به راه‌انداخته و با کمک علمای دنیاپرست و جاه‌طلب (که برای مشتی دینار، هر روایتی را جعل می‌کردند) این کالای قلابی را به پیامبر و قرآن نسبت دادند.

نقد و بررسی

با توجه به منابع تاریخی و گزارش‌های صوفیان می‌توان گفت نقش حاکمان جامعه اسلامی در مواجهه با تصوف در طول تاریخ، بیشتر نقش حمایتی و ترویجی بوده است و نه ابداع یا اختراع؛ به این خاطر نمی‌توان این عامل را در پیدایش تصوف مؤثر دانست.

زمینه اجتماعی - اعتراضی:

برخی معتقدند مطلق جریان‌های باطنی در اسلام، یک نوع واکنش اجتماعی برای اعتراض به سیاسیون و حکام وقت



مؤمنین محروم و استثمار شدگان ستم دیده، در برابر عصیان و ظلم حگام و وابستگان به قدرت و ثروت می دانند.

نقد و بررسی:

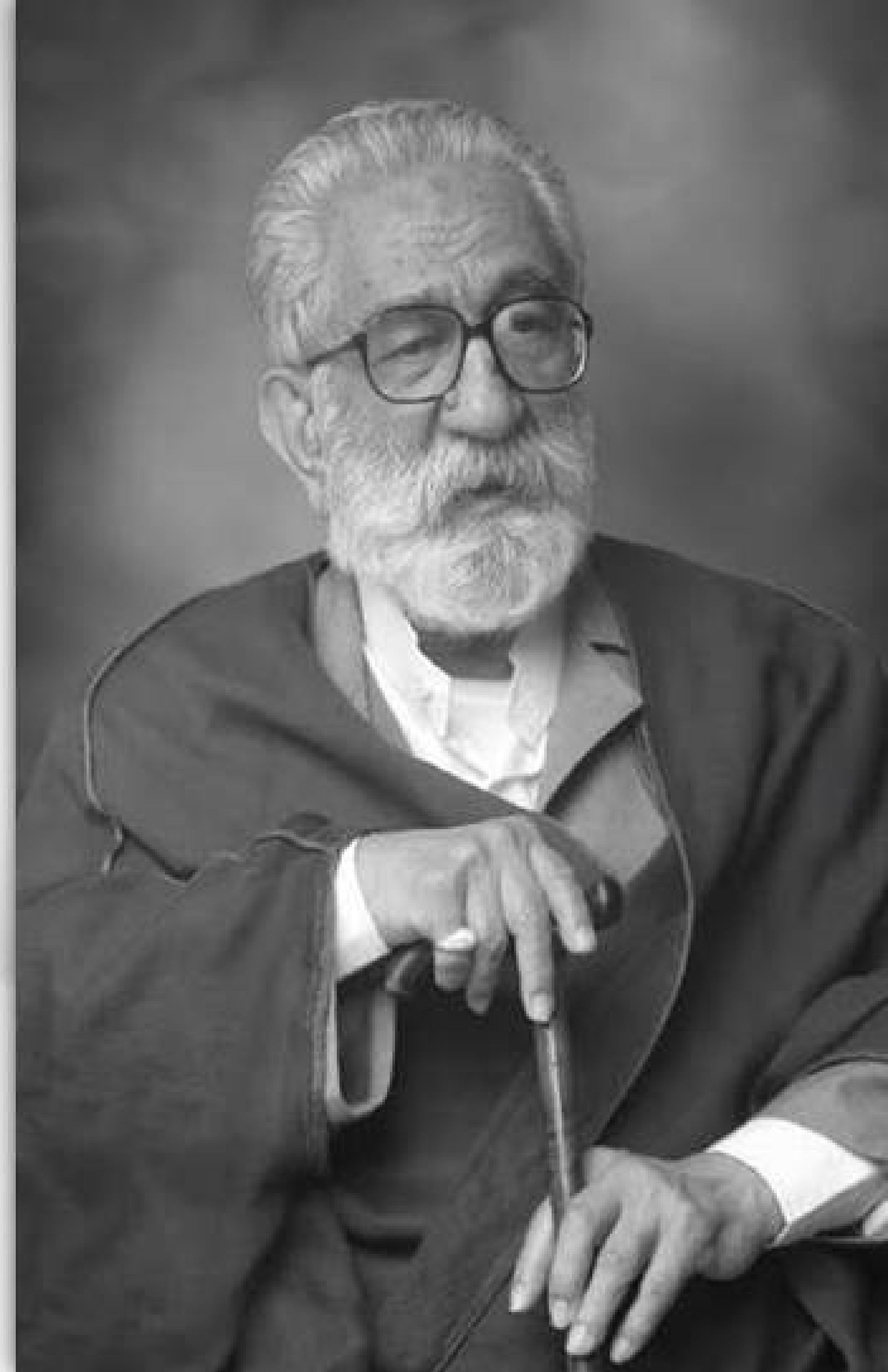
هیچ دلیلی وجود ندارد که تصوف را منحصر در طبقات محروم و مستضعف بدانیم، چه اینکه گرایش های صوفی گری از همان ابتدا، در طبقات مختلف جامعه حتی طبقات حاکم نیز دیده می شد و برخی از بزرگان صوفیه مثل علاء الدوله سمنانی در مناصب اجرایی و حکومتی به کار گرفته شده و تصوف و قدرت و ثروت را توأمان با هم جمع کرده بودند.

زمینه معرفت شناختی:

دیدگاه دیگری که بیش از سایر عوامل، در پیدایش تصوف نقش دارد عبارت است از اینکه: «صوفی گری، آسیب معرفتی-شناختی رایجی است که در پیروان ادیان متعددی بروز پیدا کرده است، در اسلام نیز با فقدان پیامبر صلی الله علیه وآله و در نتیجه پیدایش خلأ معنویت و افراط گرایی، این آسیب سرباز کرد.»

گرایش به غیب و معنویت طلبی از جمله مهم ترین نیازهای روحی و روانی بشر است که اگر به شیوه صحیح پاسخ گفته نشود، از مسیر صحیح خارج شده و به افراط (تصوف) و تفریط (انکار غیب) می انجامد. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می نویسد: «و تصوف هم از اموری نیست که مسلمین آن را از پیش خود اختراع کرده باشند، و یا اصولاً مربوط به اسلام باشد، زیرا می بینیم که همین مسلک در بین امم قبل از اسلام مانند نصارا و دیگران هم یافت می شده، حتی در بین بت پرستان و بودائیان کسانی دیده می شوند که دارای این طریقه اند.»

پس طبق مقدمات بیان شده، دیدگاهی که می توان به آن اعتنا کرد این است که اصل معنویت گرایی، ریشه در تعالیم دینی دارد که به خاطر اینکه این حس تحت تربیت حضرات معصومین علیهم السلام واقع نشد؛ به انحراف رفته و سر از تصوف گرایی در جامعه اسلامی در آورد.



طریقت‌های صوفیه

و طریقت‌هایی اطلاق می‌شود که سلسله استاد و شاگردی خود را به شاه نعمت‌الله ولی منسوب می‌کنند.

درباره مذهب شاه نعمت‌الله ولی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. هرچند ارادت او به اهل بیت علیهم‌السلام وائمه شیعه آشکار است، برخی پژوهشگران با استناد به شواهد تاریخی، وی را از نظر مذهبی در شمار اهل سنت دانسته‌اند. همچنین در میان استادان او در علوم مرسوم زمان خود و تصوف، عالمان و عارفان شیعی برجسته‌ای شناخته نشده‌اند.

سلسله نعمت‌اللهیه به شاخه‌های مختلفی تقسیم شد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: کوثریه: پیروان ملا محمد رضا همدانی، مشهور به کوثرعلیشاهی.

گنابادیه: پیروان ملا سلطان محمد، مشهور به سلطانعلیشاهی؛ از مهم‌ترین اقطاب آن می‌توان به نورعلیشاه، صالح‌علیشاه

پس از شکل‌گیری تصوف در جامعه اسلامی، به تدریج و در طول چند قرن، جریان‌ها و طریقت‌های گوناگون صوفیانه پدید آمدند. این جریان‌ها با شکل‌گیری نظام‌های خاص سلوکی، تشکیلاتی و آداب و مقررات ویژه، از یکدیگر متمایز شدند و در دوره‌های بعد، شمار آنها افزایش یافت؛ به گونه‌ای که امروزه شناسایی و بررسی همه این طریقت‌ها و شاخه‌های منشعب از آنها، نیازمند پژوهشی مستقل و گسترده است.

از این رو، در این گفتار قصد بررسی تمامی فرقه‌ها و سلسله‌های صوفیه را نداریم؛ بلکه به معرفی و بررسی مهم‌ترین جریان‌های صوفیانه در میان شیعیان و اهل سنت می‌پردازیم؛ جریان‌هایی که در دوره معاصر از حضور، فعالیت و ظهور و بروز بیشتری برخوردارند.

طریقت نعمت‌اللهیه

طریقت نعمت‌اللهیه از مشهورترین طریقت‌های صوفیه در ایران است و به مجموعه‌ای از شاخه‌ها

رضاعلیشاه، محبوبعلیشاه و نورعلی تابنده اشاره کرد. پس از درگذشت نورعلی تابنده، اختلافاتی درباره جانشینی و قطبیت این شاخه پدید آمد. شمسیه: منسوب به سید حسن استرآبادی و جانشین او شمس العرفا؛ این شاخه بعدها در دیگر شاخه‌های نعمت‌اللهیه مستهلک شد. ذوالریاستین یا مونس علیشاهیه: یکی دیگر از شاخه‌های منشعب از نعمت‌اللهیه.

صفی‌علیشاهیه یا انجمن اخوت: پیروان میرزا محمد حسن اصفهانی، مشهور به صفی‌علیشاه؛ پس از او علی‌خان ظهیرالدوله، با عنوان صفاعلیشاه، در تداوم و گسترش این جریان نقش داشت. در مجموع، نعمت‌اللهیه پس از دوره‌ای از انسجام، به‌ویژه از زمان مجذوب‌علی‌شاه به بعد، به شاخه‌های متعددی تقسیم شد که برخی از آنها تا دوره معاصر نیز به فعالیت خود ادامه داده‌اند.

طریقت ذهبیه:

سلسله ذهبیه یکی از فرقه‌های صوفی شیعی و از انشعابات طریقت کبرویه، منسوب به نجم‌الدین کبری، است که در قرن نهم قمری به وسیله سید عبدالله برزش‌آبادی، از شاگردان خواجه اسحاق ختلانی، شکل گرفت.

سید عبدالله برزش‌آبادی، متولد حدود سال‌های ۷۷۰ تا ۷۸۰ ق در برزش‌آباد مشهد و داماد خواجه اسحاق ختلانی بود. هنگامی که خواجه اسحاق، که از مشایخ کبرویه بود، پیروان خود را به بیعت با سید محمد نوربخش فراخواند، عبدالله برزش‌آبادی از این دستور سرپیچی کرد و از استاد خود جدا شد. گفته شده خواجه اسحاق در واکنش به این جدایی عبارت «ذَهَبَ عبدالله» را به کار برد و از همین رو، پیروان او به «ذهبیه» شهرت یافتند.

ذهبیه در ابتدا در خراسان و منطقه ختلان، از مراکز مهم کبرویه، گسترش یافت و این منطقه از قرن‌های نهم تا یازدهم از مراکز اصلی اقطاب آن بود. بعدها مرکزیت این سلسله به شیراز و

سپس در دوره قطب‌سی‌ام به اصفهان منتقل شد؛ اما در دوره شاه حسین صفوی، در پی فشار فقها، دوباره به شیراز بازگشت. امروزه مرکزیت اقطاب این سلسله در دزفول قرار دارد.

در دوره معاصر نیز افرادی همچون دکتر گنجویان و پس از او حسین عصاره، معروف به دکتر عساریان، به عنوان اقطاب این سلسله معرفی شده‌اند.

طریقت قادریه:

قادریه از سلسله‌های مشهور تصوف اهل سنت است که انتساب آن به عبدالقادر گیلانی، صوفی ایرانی، صورت گرفته است. عبدالقادر گیلانی در عراق به شهرت رسید و مریدان فراوانی پیدا کرد و نزد اهل سنت جایگاه بالایی یافت. او از نظر اعتقادی اشعری و از نظر فقهی حنبلی (و بنا بر برخی منابع شافعی نیز) معرفی شده است. با این حال، قادریه به شکل یک سلسله منسجم، پس از وفات عبدالقادر گیلانی و به دست فرزندان، نوادگان و مریدان او شکل گرفت و گسترش یافت.

این طریقت در طول تاریخ به شاخه‌های متعددی تقسیم شد و امروزه بیش از ۵۰ انشعاب برای آن ذکر شده است. قادریه در مناطقی مانند عراق، ایران، هند، پاکستان و بخش‌هایی از آفریقا پیروان و خانقاه‌های متعددی دارد.

وجه تسمیه:

نام «قادریه» از انتساب این سلسله به عبدالقادر گیلانی گرفته شده است. در ایران نیز قادریه دارای شاخه‌های متعددی، است. از جمله شاخه‌هایی که سلسله خود را به کاک احمد سلیمانی می‌رسانند، می‌توان به قادریه کسنزانیه، سلامیه، ولیانیه کومایین، غوث‌آباد، پارسانیان و مودی و صوله (سوله) اشاره کرد.



اعتقادات مشترک و اختصاصی میان فرق تصوف

گفت و گو با استاد سجادی زاده

مصاحبه کننده: استاد سجادی زاده، با توجه به تفاوت‌هایی که میان فرقه‌های مختلف صوفیه وجود دارد، آیا می‌توان از برخی اعتقادات و آموزه‌های مشترک میان آنها سخن گفت؟

استاد سجادی زاده: بله. با وجود تفاوت‌های اعتقادی و سلوکی میان فرقه‌های صوفیه، برخی آموزه‌ها و اعمال در بخش قابل توجهی از جریان‌های صوفیانه مشترک‌اند. البته ممکن است در جزئیات یا نحوه تفسیر این آموزه‌ها اختلاف وجود داشته باشد. از جمله مباحثی که در میان بسیاری از صوفیان مطرح بوده، می‌توان به سماع، شطحیات و نوع نگاه به ابلیس اشاره کرد.

سماع

مصاحبه کننده: سماع در تصوف به چه معناست و چه جایگاهی دارد؟

استاد سجادی زاده: سماع در لغت به معنای شنیدن، به ویژه شنیدن آواز خوش است. در اصطلاح صوفیه، به شعرخوانی و آواز همراه با موسیقی و حرکات موزون گفته می‌شود که با هدف ایجاد «حال» و «وجد» صوفیانه انجام می‌گیرد. این مراسم معمولاً به صورت جمعی در خانقاه برگزار می‌شده و سازهایی مانند دف، نی، طبل و رباب در آن به کار می‌رفته است.

مصاحبه کننده: آیا سماع از آغاز پیدایش تصوف وجود داشته است؟

استاد سجادی زاده: نه به این شکل. در دوره نخست تصوف، سماع جایگاه مشخصی نداشت و از نیمه دوم قرن سوم قمری به تدریج در میان صوفیان

رواج پیدا کرد. برخی صوفیان نخستین، مانند ذوالنون مصری، بایزید بسطامی و جنید بغدادی با آن ارتباط داشتند. در آثاری مانند اللمع، قوت القلوب و رساله قشیریه نیز درباره سماع بحث شده است. بعدها شخصیت‌هایی مانند ابوسعید ابوالخیر، احمد غزالی، روزبهان بقلی، اوحدالدین کرمانی و مولوی از مروّجان مشهور سماع شدند.

مصاحبه‌کننده: آیا همه صوفیان درباره سماع یک دیدگاه داشتند؟

استاد سجادی زاده: خیر. صوفیان درباره سماع اختلاف نظر جدی داشته‌اند و می‌توان آنها را به سه گروه تقسیم کرد. گروه نخست، افراطیون هستند که سماع را از برترین اعمال عبادی می‌دانستند؛ از جمله مولوی، شمس، فخرالدین عراقی، اوحدالدین کرمانی و روزبهان بقلی. گروه دوم، معتدل‌ها بودند که سماع را در شرایطی مستحب و موجب تقرب می‌دانستند، بدون آنکه در آن افراط کنند؛ مانند علاءالدوله سمنانی، عزالدین کاشانی، عزیزالدین نسفی، محمد غزالی و هجویری. گروه سوم نیز مخالفان سماع بودند؛ مانند بهاءالدین نقشبند، محیی‌الدین ابن عربی و احمد جام. البته محیی‌الدین ابن عربی در آثار خود مانند فتوحات مکیه به بحث سماع پرداخته و آن را در شرایطی مجاز دانسته است.

مصاحبه‌کننده: دیدگاه اقطاب پیشین ذهبیه درباره سماع و غنا چگونه بوده است؟

استاد سجادی زاده: اقطاب پیشین ذهبیه مثل عبدالقاهر بن عبدالله سهروردی و احمد غزالی، سماع و غناء را منجر به حصول کمال و رشد معنوی انسان‌ها دانسته و به برپایی این مراسم در خانقاه‌های خود اقدام می‌نمودند.

در همین راستا، سهروردی آداب سماع را در کتاب «آداب المریدین» و غزالی در کتاب‌های «بوارق الالماع» و «سوانح العشاق» به تفصیل بیان کرده و فضائل بی‌شماری برای آنان ذکر می‌نمایند.

مصاحبه‌کننده: آیا این مسئله در میان اقطاب بعدی ذهبیه نیز ادامه داشته است؟

استاد سجادی زاده: «سید علی همدانی» قطب نوزدهم ذهبیه، در طول هفته دوبار به طور پیوسته در حیاط «خانقاه مزدقان» مراسم سماع و رقص را به جای می‌آورد. همدانی به «جعفر یدخشی» گفته است:

«هر که در بدایت ارادت، عاشق سماع نباشد. سماعی امری است که بدون اختیار، از شدت جذبات سر می‌گیرد و آتشی است که سوز عشق و محبت الهی را تیزتر و شعله‌ورتر می‌سازد. سماع مربوط به عشق است و عشق دلیل و برهان منطقی ندارد.»

البته امروزه مسئله رقص و سماع، به کیفیت ازمنه سابق در سلسله ذهبیه انجام نمی‌شود.

مصاحبه‌کننده: از نظر شرعی، آیا هر نوع سماع و غنا جایز است؟

استاد سجادی زاده: خیر. اگر سماع و غنا مشتمل بر سخنان و اشعار باطل باشد، از این جهت نیز اشکال شرعی پیدا می‌کند. حتی اگر مشتمل بر اباطیل نباشد از جهت لغو بودن حرام است و صحت مضمون شعر باعث حلیت سماع و غنا نمی‌شود.

شطحیات

مصاحبه‌کننده: شطحیات چیست و چرا در تاریخ تصوف اهمیت پیدا کرده است؟

استاد سجادی زاده: «شطح» در لغت به سخنی گفته می‌شود که بوی کبر و خودبزرگ‌بینی از آن به مشام برسد. در اصطلاح نیز میان نگاه شیعه و صوفیه تفاوت وجود دارد. در نگاه شیعه، سخنان کفرآمیز و مخالف شرع قابل پذیرش نیست؛ اما صوفیه شطح را عباراتی با ظاهر نامتعارف و قابل تأویل می‌دانند.



مصاحبه کننده: چه کسانی بیشتر به شطح گویی گرایش داشته‌اند؟

استاد سجادی زاده: صوفیان را در این زمینه می‌توان به دو جریان کلی تقسیم کرد: اهل سُکرو اهل صحو. اهل سُکر بیشتر در حالت وجد و جذبه بوده و زبان آنان بیشتر زبان عشق و شعر و شاعری است. در مقابل، اهل صحو بیشتر بر هوشیاری، مباحث اخلاقی و حکمی و تحقیق و نگارش تأکید داشته‌اند. بیشتر شطحیات از اهل سُکر و جذبه صادر شده، اما برخی مشایخ اهل صحو نیز با تأویل و توجیه، محتوای آنها را پذیرفته‌اند. بایزید بسطامی، حسین بن منصور حلاج و روزبهان بقلی شیرازی از چهره‌های مشهور این عرصه‌اند.

مصاحبه کننده: دیدگاه خود صوفیان نسبت به شطحیات چگونه بوده است؟

استاد سجادی زاده: سه دیدگاه اصلی وجود داشته است: نخست، مدح شطح و شطح‌گو؛ دوم، مذمت شطح و شطح‌گو؛ و سوم، دیدگاهی

که در میان بسیاری از صوفیان مشهورتر است و آن اینکه محتوای شطح را حقیقتی می‌دانند، اما آشکار کردن آن برای عموم را نادرست تلقی می‌کنند. در این دیدگاه، شطح‌گوبه دلیل افشای اسرار الهی مورد نکوهش قرار می‌گیرد.

ابلیس در تصوف

مصاحبه کننده: یکی دیگر از مباحث جنجالی در تصوف، نوع نگاه برخی صوفیان به ابلیس است. این دیدگاه دقیقاً چیست؟ **استاد سجادی زاده:** برخی صوفیان با استفاده از تأویل‌های باطنی، تصویر متفاوتی از ابلیس ارائه کرده‌اند. در برخی نوشته‌های صوفیانه، ابلیس به دلیل سرپیچی از سجده بر آدم، موجودی مطیع توحید و حتی شایسته ستایش معرفی شده است. از همین رو تعبیری مانند «عاشق پاک‌باخته»، «دربان حضرت» و «بزرگ موحد» درباره او به کار رفته است. حتی برخی

چون نام او بر دی گفتم آن خواجه خواجهگان،
آن سرور مهجوران.»

اعتقادات اختصاصی فرقه نعمت‌اللهی گنابادی

مصاحبه کننده: در میان اعتقادات اختصاصی برخی از فرقه‌های صوفیه، چه جایگاهی برای خواب و رؤیا در نظر گرفته شده است؟

استاد سجادی زاده: در برخی از جریان‌های صوفیه، خواب و مکاشفه صرفاً اموری شخصی و تجربی تلقی نمی‌شوند، بلکه می‌توانند در زمره منابع معرفتی قرار گیرند. برای نمونه، در میان نعمت‌اللهی گنابادی، خواب و مکاشفه در سیر و سلوک اهمیت خاصی پیدا کرده است. درباره سلطان محمد گنابادی نیز نقل شده است که برخی رؤیاها در انتخاب مسیر سلوکی او و یقین یافتنش نسبت به سعادت علیشاه نقش داشته‌اند. این مسئله تنها به شخص سلطان محمد محدود نمانده و در میان برخی مریدان او نیز خواب و مکاشفه در شناخت مقام و ولایت مرشد مورد توجه قرار گرفته است.

مصاحبه کننده: یکی از مهم‌ترین مباحث در فرقه‌های صوفی، جایگاه قطب و رابطه او با مرید است. در میان نعمت‌اللهی گنابادی چه جایگاهی برای قطب ترسیم شده است؟

استاد سجادی زاده: از دیدگاه سلطان محمد گنابادی، قطب یا ولی زمان دارای اختیارات و مقامات گسترده‌ای است؛ از جمله علم غیب، عصمت، نظارت بر اعمال مریدان، وجوب اطاعت، نصب الهی، ولایت، نیابت خاصه و مهدویت نوعیه. در برخی تعبیر، جایگاه قطب حتی بسیار فراتر از جایگاهی دانسته شده که شیعیان برای ائمه (ع) قائل‌اند.

مانند ابوعباس قصاب، بارمی جمرات و سنگ زدن به ابلیس مخالفت کرده‌اند.

مصاحبه کننده: آیا این دیدگاه تا حد مقایسه ابلیس با پیامبر اکرم (ص) نیز پیش رفته است؟ استاد سجادی زاده: بله. در برخی آثار صوفیانه، این مقایسه به صورت صریح دیده می‌شود. برخی صوفیان ابلیس را در کنار پیامبر اکرم (ص) به عنوان نمونه‌ای از جوانمردی قرار داده‌اند. عین القضاات همدانی نیز از احمد (ص) و ابلیس به عنوان دو صاحب فتوت یاد کرده است. **مصاحبه کننده:** از منظر آموزه‌های اسلامی، چگونه می‌توان این نوع نگاه به ابلیس را ارزیابی کرد؟ **استاد سجادی زاده:** سخن گفتن درباره موجودات غیبی، به ویژه درباره ابلیس، باید بر اساس منابع معتبر دینی باشد. تصویری که برخی صوفیان از ابلیس به عنوان موجودی قدسی، موحد یا شایسته ستایش ارائه کرده‌اند، با تصویر صریح قرآن از ابلیس سازگار نیست. بر اساس آموزه‌های اسلامی، ابلیس موجودی مختار است و به دلیل تکبر و سرپیچی از فرمان الهی به شقاوت و لعنت گرفتار شد. بنابراین، نمی‌توان نافرمانی نمی‌توان نافرمانی او در برابر فرمان خداوند را، نشانه توحید، فتوت یا جوانمردی دانست.

تقدیس ابلیس

مصاحبه کننده: یکی از مباحث قابل توجه در میان برخی از اقطاب ذهبیه چیست؟ استاد سجادی زاده: اقطاب بزرگ ذهبیه مثل ابوالقاسم گرکانی و احمد غزالی، ابلیس را مومن به خدا و رند عاشق پیشه‌ای تصور کرده‌اند که به جهت عشق وافر به حق تعالی، حاضر نشد به سمت حضرت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام سجده کند، از همین رو با عناوینی چون «سید الموحدین» و «معلم توحید»، ستایش و تقدیس و تمجید می‌شود. احمد غزالی در این رابطه می‌گوید:

«هرگز ابوالقاسم گرکانی نگفته ابلیس، بل



اعتقادات اختصاصی فرقه ذهبیه

مهدویت نوعیه در ذهبیه

مصاحبه کننده: یکی دیگر از مباحث مهم، اعتقاد به مهدویت نوعیه است. منظور از این اصطلاح چیست؟

استاد سجادی زاده: ذهبیان به مهدویت نوعیه باور داشتند؛ یعنی مهدی را منحصر در یک شخص نمی دانستند و اقطاب سلسله را در هر دوره، مهدی و حجت الهی می شمردند. در این نگاه، قطب جایگاهی همچون ولی، امام و مهدی زمان دارد و راهنمایی و هدایت پیروان را بر عهده می گیرد.

اختلاف دیدگاه صوفیان درباره امام مهدی (عج)
مصاحبه کننده: دیدگاه علاءالدوله سمنانی در مورد حیات امام زمان علیه السلام چیست؟
استاد سجادی زاده: علاءالدوله سمنانی، در برخی آثار او مانند «چهل مجلس» و «العروة»، مطالبی درباره اعتقاد شیعیان به حیات حضرت محمد بن حسن عسکری (عج) آمده که نشان می دهد دیدگاه او با اعتقاد امامیه درباره امام دوازدهم یکسان نبوده است.

غلو و نسبت با اندیشه های غالیانه
مصاحبه کننده: یکی دیگر از موضوعاتی که درباره ذهبیه مطرح می شود، مسئله غلو است. آیا در آثار این جریان، نمونه هایی از این مسئله وجود دارد؟

استاد سجادی زاده: بخشی از آموزه ها و ادبیات این جریان را باید در نسبت با اندیشه های غالیانه بررسی کرد.

برای نمونه، در یکی از اشعار ابوالقاسم راز شیرازی درباره امیرالمؤمنین علی (ع) تعبیری با این مضمون آمده است که حضرت علی (ع) موجد اشیا، رازق موجودات و محیی جان ها معرفی شده و در نهایت پرسیده می شود که جز علی چه کسی می تواند چنین اوصافی داشته باشد.

موجد اشیا تمام، رازق احیاء مدام محیی جان در قیام، کیست به غیر از علی قل هو در شأن او، «ها هُو» میدان او راز ثناخوان او، کیست به غیر از علی